



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Classification of mythological concepts of the novel Bloody Cow

Z. Taghavi¹, A. Zaheri^{2*}, F. Tahmasebi³

1- Department of Persian Language and Literature, Research Sciences Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2- Department of Ancient Culture and Languages, Research Sciences Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3- Department of Persian Language and Literature, Islamshahr Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 18 October 2020

Reviewed: 18 November 2020

Revised: 30 November 2020

Accepted: 20 January 2021

KEYWORDS

Gavkhoni novel, mythical concepts, water myth, selfishness, Oedipal tendencies, main plot and elimination.

*Corresponding Author

✉ a-zaheri@sbiau.ac.ir

☎ (+98 21) 44865179

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: "Gavkhoni" is one of the contemporary mythological novels that has been considered by most critics and writers of literary works. The use of mythical concepts can be for two reasons; An aesthetic and comprehensible representation of the primitive human patterns in the author's conscious realm, as well as the author's (eternal secrecy) that allows artists to subconsciously pay attention to archetypal and mythological examples and apply them to their work. This article seeks to use mythological critique to present the mythological meanings of the work, both in the author's conscious form and in his unconscious form.




METHODOLOGY: This research has analyzed the data by collecting and preparing the required books and materials in a descriptive-analytical method. After studying and researching, the researcher has extracted the research items among the mentioned works and classified them and examined the data obtained from the research.

FINDINGS: The research findings indicate that Jafar Modarres Sadeghi, knowing the mythological topics, has consciously used some mythical elements and concepts in order to enrich the situation, characters, subject and plot hidden in his novel. Among the elements that have a mythical function in this novel are the following: the myth of water in the workings of motherhood, the myth of fertility, the return to the womb, death and rebirth, immortality, as well as the myth of patriarchy or Oedipal tendencies.

CONCLUSION: The discovery of mythical concepts and components in the novel Bloody Cow, in addition to understanding the main plot of the novels, their sub-plot and elimination is also obvious and the author's purpose in designing this method of storytelling is clear.

There are two main and elimination plots in this novel. The main plot that is obtained in the initial reading and the elimination plot that is specified in the subsequent readings; It shows the inner turmoil of the characters, and their actions and actions can be justified under the influence of this elimination plot in the story.

DOI: [10.22034/bahareadab.2021.14.5625](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2021.14.5625)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 21	 0	 0

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

مقاله پژوهشی

طبقه‌بندی مفاهیم اسطوره‌ای در رمان گاوخونی

زهرا تقوی^۱، آمنه ظاهری عبدوند^{۲*}، فرهاد طهماسبی^۳

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- گروه فرهنگ و زبانهای باستانی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۳- گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده:

زمینه و هدف: «گاوخونی» یکی از رمانهای اسطوره‌ای معاصر است که مورد توجه اغلب منتقدان و نویسندگان آثار ادبی قرار گرفته است. استفاده از مفاهیم اسطوره‌ای میتواند به دو دلیل باشد؛ ارائه مفهومی زیباشناسانه و قابل درک از الگوهای اولیه انسانی که در حوزه خودآگاه نویسنده قرار دارد و همچنین برخورداری (نهانبینی) ازلی نویسنده که باعث میشود هنرمندان بطور ناخودآگاه به مصداقهای کهن‌الگویی و اساطیری توجه کنند و آنها را در آثارشان بکار برند. این مقاله در پی آن است که با بهره‌گیری از نقد اسطوره‌شناسی به ارائه مفاهیم اسطوره‌ای اثر چه در قالب خودآگاه نویسنده و چه در قالب ناخودآگاه وی بپردازد.

روش مطالعه: این تحقیق با استفاده از جمع‌آوری و تهیه کتب و مطالب موردنیاز به روش توصیفی-تحلیلی به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته است. نگارندگان پس از مطالعه و بررسی به استخراج موارد مورد مطالعه پژوهش در میان آثار مذکور پرداخته و آنها را طبقه‌بندی کرده و داده‌های حاصل از پژوهش را مورد بررسی قرار داده‌اند.

یافته‌ها: جعفر مدرس صادقی با علم به مباحث اسطوره‌شناسی، در جهت غنا بخشیدن به موقعیت، شخصیتها، موضوع و پیرنگهای مستتر در رمانش بصورت خودآگاه از برخی عناصر و مفاهیم اسطوره‌ای بهره برده است. از عناصری که در این رمان کارکرد اسطوره‌ای دارند میتوان به این موارد اشاره کرد: اسطوره آب در خویشکامیهای مادینگی، اسطوره باروری، رجعت به مرحله زهدانی، مرگ و تولد دوباره، جاودانگی و همچنین اسطوره پدرکشی یا تمایلات ادیبی. **نتیجه‌گیری:** کشف مفاهیم و مؤلفه‌های اسطوره‌ای در رمان گاوخونی سبب میشود علاوه بر درک پیرنگ اصلی رمانها، پیرنگ فرعی و حذفی آنها نیز آشکار و هدف نویسنده از طرح این شیوه از پرداخت داستانی مشخص شود. دو پیرنگ اصلی و حذفی در این رمان وجود دارد. پیرنگ اصلی که در خوانش اولیه بدست می‌آید و پیرنگ حذفی که در خوانشهای بعدی مشخص میشود، نشان‌دهنده آشفته‌گیهای درونی شخصیتهاست و اعمال و کنشهای آنان نیز تحت تأثیر این پیرنگ حذفی در داستان قابل توجیه است.

تاریخ دریافت: ۲۷ مهر ۱۳۹۹

تاریخ داوری: ۲۸ آبان ۱۳۹۹

تاریخ اصلاح: ۱۰ آذر ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۰۱ بهمن ۱۳۹۹

کلمات کلیدی:

رمان گاوخونی، مفاهیم اسطوره‌ای، اسطوره آب، خویشکاری، تمایلات ادیبی، پیرنگی اصلی و حذفی.

* نویسنده مسئول:

a-zaheri@srbiau.ac.ir

۴۴۸۶۵۱۷۹ (۰۲۱ ۹۸)

مقدمه

از دهه سی به بعد تمایل به نوشتن رمانهای تاریخی و اسطوره‌ای در ایران رو به فزونی گرفت. بسیاری از منتقدین برآنند که اوضاع اجتماعی - سیاسی آن دوران در شیوه پرداختن به رمان و ژرف‌ساخت این گونه ادبی بسیار تأثیرگذار بوده است. دنیای پرتناقض فردی - اجتماعی نیاز نویسنده این دوران را به استفاده از زبان نمادین و اسطوره‌ای بیش از پیش ضروری کرده است. آنچه را که نویسنده اثر ادبی قادر به بازگو کردن نبود، از طریق شگردهای مدرن از جمله اسطوره‌پردازی، نمادپردازی، سمبل‌سازی، طنز و تراژدی بیان میشود.

در بسیاری از کتابها خواننده‌ایم که اسطوره پاسخ بشر به رویدادهای طبیعی و عقلانی است. جایی که انسان در بن‌بست زندگی پرتلاطم امروز گرفتار میشود، اسطوره‌ها و کهن‌الگوها را به یاری میطلبند. زبان نمادین و اسطوره‌گونه، راوی داستان را از تنگناهای زبانی - عقیدتی رها میسازد. بکار بردن مفاهیم و عناصر اسطوره‌ای در هر اثر ادبی به دلایل مختلف اتفاق می‌افتد: «گاه اسطوره در متن کاربرد تزئینی و حاشیه‌ای دارد و بهره‌گیری از آن در خدمت خلق تصاویری است مبتنی بر تشبیه و استعاره یا انعکاس اشاره‌ای و تلمیحی که خود زمینه‌ساز تداعی معانی است. گاه نیز نویسنده با تغییر و تبدیل ساختاری اسطوره - بدون تغییر اصل و اساس آن - و حل آن در سطح یا پیرنگ روایی داستان، بنمایه‌های اسطوره‌ای را با شخصیتها و یا خویشکاری آنها عجین میکند که در مواردی به تجدید و بازآفرینی اسطوره منجر میشود. همچنین گاهی با تلفیق اسطوره‌ها علاوه بر یادآوری لحظه‌های اساطیری، اسطوره‌ای نو میسازد» (بازتاب اسطوره در داستان کوتاه، صادقی: ص ۹).

این مقاله با هدف بازبینی و نقد اسطوره‌شناسی - کهن‌الگویی رمان گاوخونی، در پی پاسخ به این پرسش است که عناصر و مفاهیم اسطوره‌ای چگونه در رمان «گاوخونی» نمود یافته‌اند؟ نگارندگان با تکیه بر بنمایه‌های اسطوره‌ای آب و خویشکاریهای آن و همچنین با استفاده از اسطوره پدربندی و تمایلات ادیبی از دیدگاه فروید به تحلیل این رمان پرداخته‌اند.

ضرورت و سابقه پژوهش

ضرورت در پژوهش حاضر بررسی این موضوع است که نویسنده چگونه توانسته با استفاده از بنمایه اسطوره «آب» و خویشکاریهای آن بطور همزمان چند شخصیت را با ویژگیهای متفاوت به خواننده معرفی کند. همچنین دلیل تنفر راوی از پدرش با استفاده از اسطوره «پدربندی» یا «عقد ادیب» بدون هیچ رفتاری که حاکی از نفرت باشد، در رمان گاوخونی چگونه توجیه میشود.

علاوه بر کتابها و مقاله‌های ارزشمندی که از نویسندگان و پژوهشگران این حوزه مانند مهرداد بهار، ژاله آموزگار، جلال ستاری، و احمد تفضلی در باب اسطوره و بنمایه‌های اساطیری نوشته شده است، مقاله‌های بسیاری در تحلیل اسطوره‌شناسی رمانهای فارسی معاصر موجود است. در باب بررسی اسطوره‌شناسی رمان گاوخونی چند مقاله به چاپ رسیده است. «خوانش فرویدی رمان گاوخونی» از یزدخواستی و مولوی است که به بررسی ارتباط داستان با عالم رؤیا پرداخته است. «نقد کهن‌الگویی رمان گاوخونی» از مباحثی و درویشی که در این مقاله نیز نویسندگان با استفاده از نظریه روانکاوی فروید نهاد، خود و فراخود در رمان را بررسی کرده‌اند و از طریق بررسی «سایه»، «آنیما و آنیموس»، «نقاب»، «خود»، «پیر فرزانه» و «قهرمان» برطبق نظریات یونگ، به تحلیل شخصیتها پرداخته‌اند.

پایان‌نامه‌هایی نیز با تکیه بر عالم «خواب و رؤیا» و «نقدهای روانکاوانه» موجود است که توسط عزیززاده و خجسته به رشته تحریر درآمده است و در جایگاه خود قابل اعتناست. تاکنون پژوهشی در مورد طبقه‌بندی

مفاهیم اسطوره‌ای در رمان گاوخونی نگاشته نشده است. خلأ تحقیقاتی در این مورد ضرورت انجام پژوهش را به اثبات میرساند.

بحث و بررسی

خلاصه رمان گاوخونی

گاوخونی اثر جعفر مدرس صادقی یکی از رمانهای اسطوره‌ای معاصر است. پیرنگ اصلی رمان سرگذشت پسری است که با تداعی خاطرات دوران کودکی، روزگار خود را سپری میکند. ارتباط پدر و مادر راوی، ارتباطی سرد است. پدر راوی به آبتنی در زاینده‌رود علاقه دارد، در مقابل مادر راوی از این کار متنفر است. راوی پس از مرگ مادرش به تهران مهاجرت میکند. او پس از مرگ پدرش برای مراسم تدفین به اصفهان باز میگردد. پس از مدتی با دخترعمه‌اش ازدواج میکند، اما نمیتواند با او ارتباط عاطفی برقرار کند. صادقی در کنار این پیرنگ اصلی، با طرح مفاهیم اسطوره‌ای مانند آب، اسطوره پدرکشی یا تمایلات ادیبی، پیرنگی حذفی برای داستانش ایجاد میکند.

مفاهیم و عناصر اسطوره‌ای - کهن‌الگویی

از لحظه تولد تا لحظه مرگ، آدمی از تأثیر و تأثر اسطوره‌ها رهایی ندارد. «تولد»، «مرگ»، «بازتولد»، «درخت»، «کوه»، «غار»، «رنگها»، «اعداد»، «حیوانات»، «آب»، «رودخانه»، «باتلاق»، «گیاه‌پیکری»، «باروری» و «زمین» و ... همه مفاهیم و عناصر اسطوره‌ای هستند که هر نویسنده و هنرمند آگاهی میتواند برای غنیر کردن اثرش از آنها بهره گیرد. گریز زدن به این مفاهیم در قالب اثر ادبی - هنری، چه نقاشی و هنرهای تجسمی و چه در عالم شعر و داستان، به عناوین مختلف و با اهداف متفاوت بکار میرود.

از آغاز خلقت هر جا که آدمی در پاسخگویی به سؤالات خود از جهان هستی سردرگم میماند، از دنیای اسطوره‌ها کمک میطلبد. به قول پاینده، «اسطوره‌ها در واقع پاسخهای نمادین و برآمده از خیال به همین پرسشند» (نظریه‌ها و نقد ادبی، پاینده: ص ۳۰۰).

یکی از رایجترین شیوه‌های بررسی اساطیر، تحلیل روانکاوانه آنهاست. یونگ نظریه‌پرداز معاصر با پرداختن به مباحث کهن‌الگویی، مسیری تازه در باب دنیای اساطیر بر روی ما گشود. آشنایی با دنیای ناخودآگاه جمعی و کهن‌الگوها، آدمی را به درک بهتری از اثر ادبی و همچنین افکار و تمایلات خالق اثر رهنمون میکند. الگوهای اولیه بشر که در اکثر تمدنها مشترک هستند، در بسیاری از آثار ادبی و هنری نیز حاوی معانی و مفاهیم مشترکی هستند. این الگوها رفته‌رفته در ناخودآگاه فردی و جمعی بشر رسوب کرده‌اند و در برهه‌ای از زمان به اشکال مختلف خود را نشان میدهند. نام دیگر این کهن‌الگوها در مکتبهای روانکاوی و روانشناسی، آرکی‌تایپ است. آرکی‌تایپها یا همان کهن‌الگوها انواع مختلفی دارند؛ از جمله کهن‌الگوی (مادر مثالی)، کهن‌الگوی (خیر و شر)، کهن‌الگوی (پدرکشی)، کهن‌الگوی (زمین) و کهن‌الگوی (آنیما و آنیموس). «کهن‌الگوها در قالب نماد یا شکل نمادین در بسترهایی مانند اسطوره، حماسه، داستان، رؤیا و اوهام آشکار میشوند و یا در آثار ادبی ظهور مییابند» (تحلیل کهن‌الگویی حکایت، نوری و سرلک: ص ۷۹).

«یونگ از تصاویر ذهنی جهان‌شمول که در ناخودآگاه جمعی جای دارد، به کهن‌الگوها تعبیر میکند و اسطوره را نمود آن میدانند. این الگوهای کهن به صورتهای گوناگون در رؤیا و آفرینشهای هنری باز میتابند (روانکاوی

ادبیات، یآوری: ص ۱۶۲). با بررسی متون ادبی مختلف و یافتن مفاهیم و عناصر کهن‌الگویی - اسطوره‌ای میتوان به ژرف‌ساخت اثر و مفاهیم مدنظر نویسنده نیز پی برد. یونگ علت استفاده برخی هنرمندان بصورت ناخودآگاه از مفاهیم اسطوره‌ای را اینگونه شرح میدهد: «برخورداری هنرمندان از نهانبینی ازلی باعث میشود که ایشان به مصداقهای کهن‌الگو بسیار توجه کنند و آنها را در آثارشان بکار برند» (نظریه‌ها و نقد ادبی، پاینده: ص ۳۶۴). در مقابل عده‌ای از شاعران، نویسندگان و هنرمندان با آگاهی از پیشینه‌های اسطوره‌ای و بمنظور تفهیم مفاهیم مدنظرشان به عناصر کهن‌الگویی و اسطوره‌ای رجوع میکنند تا اینگونه در قالب یک پیرنگ فرعی و یا به عبارتی پیرنگ حذفی عقیده خود را ابراز کنند.

پایه‌های نظری این مقاله پیوندی است که نگارندگان از طریق مباحث اسطوره‌شناسی و نظریه‌های روانشناسی در جهت انسجام این نوشتار از آنها بهره برده‌اند. این نظریه‌ها در دو سطح قابل بررسی است:

۱- مباحثی که در مورد اسطوره آب و خویشکامی‌های آن در کتاب و اسناد باستانی و تاریخی موجود است. این منابع عبارتند از بندهش، *آبان یشت اوستا*، فرهنگ *باستان*، *شاهنامه فردوسی*، کتاب و رساله تاریخ ادیان و همچنین نظریه‌های روانشناسی که در مورد کهن‌الگوی آب براساس پژوهشهای کهن‌الگویی یا آرکی تایپ یونگ محقق شده است.

در منابع باستانی ایران و جهان، عنصر آب که یکی از عناصر چهارگانه در نظام آفرینش است، از جایگاه والایی برخوردار است. آب با خویشکاری، مادینگی، باروری و زندگی‌بخشی، رجعت به زهدان مادر مثالی، مرگ و تولد دوباره، جاودانگی و غیره کارکردی حیات‌بخش داشته است.

۲- پایه‌های نظری دیگری که این مقاله از آن سود جسته، اسطوره پدرکشی یا عقده ادیپ است که براساس نظریه شخصیت فروید، در این رمان بررسی میشود. یونگ عقیده دارد که ریشه تمامی رفتارهای بشری مبتنی بر عقده‌های جنسی است که بصورت ناخودآگاه در انسان انباشته میشوند. این عقده‌ها بدلیل اینکه برخلاف عرف و اخلاق جامعه هستند، مسیر مستقیم ارضای خود را پیدا نمیکنند و به شکلهای مختلف در قالب اعمال کاملاً بی‌ربط بروز پیدا میکنند. او اثبات کرد کودکان از تواناییهای جنسی خود آگاهند و سعی در بروز آنها دارند ولی بدلیل سرکوب بیرونی مجبور میشوند تمایلاتشان را به عقب برانند و آنها را در ظاهر انکار کنند. این فرآیند باعث میشود تعارضهای متناقضی در وجودشان ایجاد شود. حل نشدن این بحران در کودکی و عبور نکردن از این مرحله، بعدها در دوران نوجوانی و جوانی عواقبی را به همراه خواهد داشت.

شیوه‌های بکارگیری اسطوره در رمان «گاوخونی»

مدرس صادقی در اغلب آثارش از جمله «گاوخونی» از طریق روایت غیرخطی و همچنین استفاده از عالم رؤیا و خواب به طرح موضوع میپردازد. با توجه به آشنایی و علاقه او به بنمایه‌های اسطوره‌ای، در شکل پرداختن به واقعیت‌های زندگی از این عناصر کمک میطلبد. او شخصیت اصلی رمان را - که در عالمی بین رؤیا و واقعیت غوطه‌ور است - از طریق مفاهیم و عناصر اسطوره‌ای - کهن‌الگویی به مخاطب می‌شناسد. در این مسیر با استفاده از بنمایه‌ها و خویشکاریهای اسطوره آب، شخصیت مادر، پدر و آقای گلچین را طراحی میکند. مدرس صادقی بدون استفاده از کلمات و قرار دادن دلایل عامه‌پسند در توجیه رفتارهای به دور از احساس و عاطفه شخصیت اول نسبت به پدر و مادر، ذهن جستجوگر مخاطب را بسمت عقده ادیپ یا اسطوره پدرکشی میکشاند. او همانند رمان‌نویسان مدرن و پست‌مدرن به اسطوره‌سازی در دنیای مدرن نمیپردازد بلکه با استفاده از خویشکاریهای

اساطیر باستان و کهن‌الگوهایی که ریشه در هزاره‌های نخستین جهان دارد، به شرح روان متلاطم انسان امروز می‌پردازد. در ادامه پژوهش عناصر اسطوره‌ای که در رمان گاوخونی بصورت نمادین تصویر شده است، بررسی می‌شود.

اسطوره آب (عنصر مادینگی)

در بسیاری متون باستان جهان «آب» را اولین آفریده خداوند دانسته‌اند اما در ایران باستان، آب دومین آفریده پس از آسمان معرفی شده است. همانطور که در بندهش می‌خوانیم، «تخت آسمان را آفرید ... دیگر آب را آفرید به پنجاه روز» (بندهش: ص ۴۱). در منابع دیگر نیز آمده است: «ابتدا آب را می‌آفریند، سپس آتش، هوا، باد، آسمان، زمین و نیز کوهساران و درختان روی زمین را می‌آورد» (اساطیر جهان، روزنبرگ: صص ۳۲-۳۳). آب در *آبان یشت* اوستا «زنی زیبا، جوان، خوش‌اندام، و بلندبالا دانسته شده که قدمت ستایش او به دوره‌های بسیار دور و حتی به پیش از زرتشت میرسد. چشمه حیات از او می‌جوشد و تندیسهای باروری را که الهه مادر نامیده می‌شود و نمونه‌هایی از آن در کاوشهای تپه سراب با قدمتی حدود نه هزار سال قبل از میلاد بدست آمده تجسم ایزدبانو دانسته‌اند» (تاریخ اساطیری ایران، آموزگار: صص ۲۲-۲۱).

علاقه بیش از حد پدر راوی به آب (زاینده‌رود) از آنجاکه آب در اساطیر، یادآور مادینگی است، می‌تواند یادآور عشق نافرجامش به زن لهستانی باشد که زمانی آوازه‌خوان تهران بوده است. غوطه‌ور شدن در این آب به نوعی فرار از زندگی فعلی پدر راوی و غوطه‌ور شدن در رؤیای عشق زن لهستانی است. از آنجاکه در اساطیر، الهه آب الهه زیبایی است و جوان و خوش‌اندام و بلندبالا است، نویسنده از زبان پدر راوی به زیبایی زن لهستانی اشاره‌هایی دارد: «هروقت پول داشتیم می‌آمدیم تو این کافه و کباب می‌خوردیم و به آواز این لهستانی گوش میدادم. از بس که می‌ومدم اینجا با این لهستانی دوست شدم. هیچکس رو تو این مملکت نداشت. پدر و مادر و شوهر و بچه‌هاشو آلمانها کشته بودند و فقط او تونسته بود فرار کنه و بیاد ایران. اون موقع که من همسن تو بودم اون سی سالش بود. از تُردی عین برگ گل بود، از سفیدی عین برف بود. از خوشگلی که دیگه نگو لنگه نداشت. زن خیلی مهربون و خونگرمی بود. ما به هم می‌خوردیم. درسته که من از اون جوونتر بودم و او هم نسبت به زنهای ایرانی خیلی بلندقد بود» (گاوخونی، مدرس صادقی: صص ۱۰۶-۱۰۷).

از متن بالا پیداست که نویسنده علاقه «پدر» به آب و آبتنی را صرفاً برای نشان دادن عنصر مادینگی بکار برده است. حتی این احتمال نیز می‌رود که پدر بدلیل بيمه‌ری و اخلاق پرخاشگرانه همسرش، همیشه آرزوی آویختن به آغوش زنی را - چه همسر و چه زن لهستانی- در ذهنش می‌پروراند. از طرفی مخالفت همسرش درمورد آبتنی در رودخانه نیز می‌تواند از حسادت زن به رقیب اسطوره‌ای خویش یعنی آب و رودخانه، یعنی نماد و اسطوره زنانگی یا مادینگی، باشد. «همان وقت دیدم یک نفر لب آب ایستاده بود، دستش را تکان میداد و با داد و فریاد چیزی میگفت. رفتم جلو، مادرم بود. اما عجیب بود که بی چادر بود و با شلوار گشادی که وقت خوابیدن می‌پوشید و با موهای آشفته، هیچ وقت ندیده بودم بدون چادر از خانه بیرون بیاید» (همان: ص ۷).

وابستگی پدر راوی به رودخانه و آب در همه رمان بچشم می‌خورد: «اما او به این خانه انس داشت. چون که این خانه نزدیک رودخانه بوده و تا همین اواخر هم که دیگر مدتی بود نمیتوانست برود توی آب، به هوای رودخانه بود که آنجا بود و برای همین بود که از آن خانه دل نمیکند» (همان: ۳۲).

اسطوره آب (الهه باروری)

«در ایران باستان آناهیتا (الهه آب)، الهه باروری و بغ بانوی ایرانیان بود. وی در کهن‌الگوی ایرانی نماد آب و زاینده‌گی و رودخانه است» (نقد اساطیر و داستان‌واره‌ها، یاحقی: ص ۸۱۴). با استناد به این سخن میتوان دلیل تنفر راوی از آب و آبتنی را درک کرد. از آنجاکه آب عنصری مادینه است و الهه باروری نیز محسوب میشود، راوی از شنا کردن و آمیختن با آب رودخانه هراس دارد و این حس را بصورت موازی نسبت‌به همسرش دارد. او از ترس اینکه فرزند خیالی‌اش شبیه پدر بشود، هیچ علاقه‌ای به آمیزش با همسرش ندارد. «شاید اگر ده تا بچه هم درست میکردم، هیچکدام شبیه پدرم از آب در نمی‌آمد. اما من مطمئن بودم بچه من و دخترعمه سابقم عین پدرم از آب درمی‌آمد» (گاوخونی: ص ۸۰)

اسطوره آب (نمادی از مرگ و تولد دوباره)

«آب رمز حیات است و آزمون یا «وَر» گذر از آب نمادی از مرگ و تولد دوباره. مردن از صورتی کهنه و زندگی یافتن در صورتی تازه است که در قالب گذر از دریا و رودخانه جلوه‌گر میشود و انسانی که از این «خوان» میگذرد، از مرحله‌ای از زندگی مادی پای در مرحله‌ای از حیات معنوی میگذارد» (بررسی ساختاری اسطوره، استراوس: ص ۶۱). در این رمان فقط پدر راوی و گلچین معلم کلاس چهارم راوی است که در زاینده‌رود آبتنی میکنند. مادر راوی و خود راوی از آبتنی در زاینده‌رود متنفر هستند و در ادامه رمان میبینیم که پدر راوی به حیات معنوی‌ای که نویسنده رمان قصد بیان آن را داشته رسیده است. پدر راوی تقریباً در خواب و بیداری همراه راوی است. راوی اغلب موارد این ادعا را دارد که نمیداند پدرش زنده است یا نه؟ احتمالاً بواسطه گذر از آب به جاودانگی رسیده است:

«گفتم راستشو بگو: تو زنده‌ای؟

پا شد و سر تا پاش را به من نشان داد تکان میخورد. حجم داشت.

گفت: بیا امتحان کن.

پا شدم. به او دست زدم. بوش کردم. بوی مرده نمیداد.

خندید و گفت: میخواهی بریم لب آب؟ ...

اگر خواب بودم. حالا که میرفتیم بیرون، توی این هوای سرد دم صبح، بیدار میشدم. اما رفتیم بیرون و هوا خیلی سرد بود و نور صبح خیلی تند، اما بیدار نشدم. سپس بیدار بودم و این راستی راستی پدرم بود که توی خیابان، پهلوی من راه می‌آمد- با این پیراهن آستین کوتاه، این وقت سال، این وقت روز، توی این هوا، توی این روشنایی اطمینان‌بخش» (گاوخونی، مدرس صادقی: صص ۱۰۱-۱۰۲).

این حس و حال و یا به عبارتی جاودانگی را در صفحات دیگری نیز میبینیم:

«گفتم: ببینم تو خودتی؟

خندید و گفت: آره معلومه که خودمم.

گفتم: راستشو بگو.

گفت: دروغم چیه.

گفتم: خوابی یا بیدار؟

گفت: این چه سؤالیه؟ یه دقه پیش میگفتی مرده‌ای یا زنده. حالا میپرسی خوابی یا بیدار.

منظورت چیه؟ گفتم: خب من چی؟ من خوابم یا بیدار؟

گفت: چه میدونم. از خودت بپرس «همان: ص ۱۰۹».

گلچین نیز شخصیت تأثیرگذاری است که راوی بدنبال سرنخهایی از حیات معنوی اوست؛ چراکه در چند مورد میبینیم گلچین هیچ واکنش مادی در زمان حیاتش نسبت به راوی انجام نمیدهد. گویی در عالم دیگری سیر میکرد و یا پیش از غرق شدن، بواسطه آب به جاودانگی دست یافته بود. «او (گلچین) فقط یک بار پدرم را دیده بود - آن هم تصادفی و خود من را هم - حتی وقتی که کلاس چهارم شاگرد خوبش بودم - خوب نمیشناخت ... مطمئن بودم که اگر پیدایش میکردم و هزار جور نشانی میدادم غیرممکن بود مرا یادش بیاید» (همان: ۶۹-۶۸).

اسطوره آب (جاودانگی)

جاودانگی بوسیله آب علاوه بر فرهنگ ایران باستان، در فرهنگ اسلامی نیز راه یافته است: آب حیات که در باورهای ما بسیار به آن پرداخته شده است که هر کس از آن بنوشد به حیات جاودانه خواهد رسید (اشاره به داستان اسکندر و حضرت خضر).

در فرهنگ باستان از جمله در شاهنامه نیز به روین تنی اسفندیار بوسیله آب مقدس نیز اشاره شده است: «اسفندیار یگانه پهلوان روئین تن حماسه ملی ایران است. مظهر نیروی اهورائی شهریاری و پهلوانی. اسفندیار را میتوان رستمی دیگر نامید که وجودش مظهر راستی و رهایی قوم ایران است که بعنوان شاهزاده نیرومند و نامراد معرفی میشود. وجه تمایز او از دیگر روئین تنان در همین نیروی اهورائی اوست» (نقد ادبی، شمیسا: ص ۴۵). در نظر یونگ آب و تجلیات آن (دریا، رود و چشمه) از کهن‌الگوهای شناخته‌شده‌ای هستند که بر مفاهیمی چون تولد، مرگ، رستاخیز، تطهیر و رستگاری، رمز و راز روحانی و بی‌کرانگی، بیزمانی و ابدیت و ضمیر ناهشیار دلالت میکنند (مبانی نقد ادبی، گرین و همکاران: ص ۱۶۲).

اسطوره آب (رجعت به مرحله زهدانی)

در کتاب رساله در تاریخ ادیان آمده است: «غوطه وری در آب، رمزی است از رجعت به حالت پیش از شکل‌پذیری و تجدید حیات کامل و زایش نو و از یک سو در پی هر انحلالی ولادتی نو است و از سوی دیگر غوطه خوردن امکانات بالقوه زندگی و آفرینش را بوجود می‌آورد» (رساله در تاریخ ادیان، الیاده: ص ۱۸۹). «به تعبیر دیگر درون چشمه رفتن نمادی از بازگشت به شرایط کیهانی و زهدانی مادر مثالی است ... که منجر به ولادت روانی انسان و جاودانگی ابدی او میشود» (نقد کهن‌الگویی، ستاری و حقیقی: ص ۱۲۳).

گلچین معلم کلاس چهارم راوی نیز گویی پس از غرق شدن در آب به حیات جاودانه رسیده است و راوی این جاودانگی را همواره لمس میکند. پدر راوی نیز علاقه زیادی به زاینده‌رود داشت. نویسنده با نشان دادن اشتیاق پدر راوی به رودخانه و آبتنی در آن، ذهن مخاطب را به رجعت به مرحله زهدان مادر مثالی نیز هدایت میکند. پدر راوی از شرایط فعلی زندگی خود ناراضی است، اما در هیچ کجای متن آن را ابراز نکرده است. نویسنده با بهره‌گیری از اسطوره‌پردازی غیرمستقیم به درک خواننده اثر از چنین مفهومی کمک میکند. همچنین غرق شدن گلچین (معلم کلاس چهارم راوی) نیز بواسطه مفاهیمی همچون تاریکی، غوطه‌ور شدن در آب، رودخانه و بتلاق جلوه‌گر کهن‌الگوی مرگ و تولد دوباره و یا رجعت به مرحله زهدان مادر مثالی است. «مادر مثالی نموده‌های مثبت و منفی فراوان نیز دارد. از نموده‌های مثبت آن: زمین، وطن، شهر، آب، چشمه، رود،

دریا، جنگل، کوه، باران، باغ، درخت و همه مفاهیمی است که بگونه‌ای با فداکاری، نگاهبانی، بخشندگی، باروری، زاینده‌گی و مراقبت پیوند دارد و از سوی دیگر، نمادهای منفی وی با مرداب، چاه و هر مکان تاریک و پنهان همانند گورستان، مغاک، جهان مردگان، اژدها و فریبکاری سحر و جادو و شهوترانی، ترس و مرگ در ارتباط است» (مظاهر مجازی کهن‌نمونه‌های مادر مثالی، سراجی و خسروی: ص ۳۱۸).

راوی که سالهاست از اصفهان، زاینده‌رود، آب، آبتنی، کوه، وطن شهر، درخت و فضای بومی منطقه خویش گریزان است، درحالی‌که از عالم خلسه ذهنش به ستوه آمده، تصمیم میگیرد همچون پدر و معلم کلاس چهارمش، آقای گلچین، به مادر مثالی خویش رجعت کند. این رجعت میتواند دلایل مختلفی داشته باشد: (۱) گریز از عالم رؤیا و تشویش‌های درونی، (۲) پیوستن به گلچین که میتواند نمودی از شخصیت ایده‌آل از نظر راوی باشد. چون در همه جای متن از او بعنوان پهلوان بزرگی یاد میکنند، (۳) عدم ارتباط کافی با مادر واقعی؛ در طول داستان هیچ مکالمه و مرادۀ صمیمانه‌ای با مادرش ندارد، (۴) احساس ناباروری و گریز از اصل و نسب خویش و دلایل دیگری که در لایه‌های پنهان این رمان میتواند وجود داشته باشد. «باز بالا و پایین پریدم. بنا کردم به دویدن. بالا و پایین میپریدم و میدویدم. زدم به آب، رفتم زیر آب و آب از سرم گذشت و رفتم پایینتر و هرچه رفتم پایینتر پاهایم نمیرسید به زمین و هی میرفتم پایین، آب درست به اندازه گرم بود - به اندازه بدنم - و به آن پایین که رسیدم، فقط صدای آواز زنی توی گوشم بود - صدای آوازِ غریبی از دور» (گاوخونی، مدرس صادقی: ص ۱۰۹).

همانطور که از متن پایان رمان برمی‌آید، (گرمای آب به اندازه بدنم)، یادآور دوران جنینی است. و پایانیترین جمله (فقط صدای آواز زنی توی گوشم بود)، میتواند یادآور کلام ازلی آفرینش باشد و هم صدای مادر مثالی دور از دسترس. از ابتدای رمان تا انتها، راوی به عشق دست‌نیافتنی دخترعمه‌اش و همچنین همبازی دوران کودکی‌اش اشاره میکند به آوازی که فقط از دوردستها خوش است و پس از ازدواج با دخترعمه متوجه میشود، این همان عشقی نبوده که آرزویش را داشته است.

«مادر واقعی، مادربزرگ، نامادری، مادرزن و هر زنی که خویشی و ارتباطی با او برقرار است، مثل پرستار، دایه و جدۀ دور، نمونه بارز صورت مثالی مادر، حوا و مریم باکره میباشند» (انسان و سمبولهایش، یونگ: ص ۲۵). با استناد به این جمله از یونگ میتوان در نیاویختن راوی با همسرش را توجیه کرد. راوی دخترعمه‌اش را همان زن اساطیری (مادر مثالی) میدانند که هیچ وقت تمایل ندارد با او بیامیزد. دخترعمه نمودی از زن مثالی و یا همان حوا و مریم باکره است: «در همه مدتی که شوهر زنم بودم، یک بار هم دست به او ندم. چون که او دخترعمۀ سابقم بود و من هیچ وقت از نزدیک و مثل یک دختر معمولی دوستش نداشتم. همیشه از دور و مثل اینکه الاهی‌ای باشد دوستش داشتم. و دلم میخواست زنم باشد، نه اینکه با او کاری بکنم. اما همه دخترهای محله خودمان و همه دخترهای محله‌های دیگر و همه دخترهایی که دیده و ندیده بودم برای من جور دیگری بودند» (گاوخونی، مدرس صادقی: ص ۸۰).

اسطوره پدرکشی (تمایلات ادیبی)

«ادیب در اساطیر یونان باستان، قهرمان برجسته‌ای است که پدرش را کشت و با مادر ازدواج کرد» (مبانی روان‌شناسی فروید، حال: ص ۵۹). کودکان پسر از ابتدای تولد تا هفت سالگی احساس و علاقه‌ای ناشی از مهر و محبت و وابستگی به مادر دارند و اکثر آنان این مهر و محبت را با پدر بدلیل نداشتن نیاز به تغذیه از جانب او

ندارند. در مقابل پدر بعنوان منبع درجه‌یک قدرت در خانه حضور دارد. این احساس ویژه، کودک را در ارضای نیازهای اولیه از طریق مادر به مخاطره می‌اندازد. او احساس میکند علاوه بر خودش، پدر نیز در این رقابت شرکت میکند. «کودک در سالهای ۴-۵ سالگی به بعد متوجه اندامهای جنسی خود و نقش تعیین‌کننده اندامهای جنسی در تفکیک دو جنس میگردد. کودک که پدر را بعنوان یک همجنس رقیب خود در تملک مادر میبیند، همواره از قدرت بیشتر و تسلط پدر بر مادر و احتمال برخوردهای خشن پدر در از میان برداشتن این رقیب ناتوان و مشخصاً بریده شدن آلت خود به دست پدر هراسان است. بنابراین ترس و واهمه همیشه کودک پسر از پدر به حس کینه و انتقام و تصاحب قطعی و نهایی مادر تبدیل میشود. اگرچه این احساس در سالهای بعد با پررنگتر شدن نقش پدر در زندگی فرزند خانواده و پشتیبانیهای عاطفی و مالی از او تعدیل میشود، اما همچنان در ناخودآگاه فرد باقی میماند» (ناخودآگاه و روان‌کاوی، شاریه: ص ۵۹ و اصول روان‌کاوی، جونز: ص ۳۶).

در رمان گاوخونی راوی به نوعی از پدر خویش بیزار است. نویسنده مستقیم و غیرمستقیم به این نکته اشاره میکند: «راستی هرکس آرزویی داشت؛ پس من هم آرزویی داشتم و از خودم پرسیدم آرزوی من چی بود و به خودم گفتم: آرزوی من این بود که پدرم... آرزوی من این بود که پدرم... آرزوی من این بود که پدرم میمرد و حالا که مرده بود هیچ آرزویی نداشتم» (گاوخونی، مدرس صادقی: ص ۸۱).

«میخواستم این خوابها را یادداشت کنم اما تبلییم می‌آمد و نمیکردم، میخواستم ببینم چه خوابهایی میدیدم و چرا از شرّ یاد او که دیگر بدجوری داشت اذیتم میکرد راحت نمیشدم» (همان: ص ۱۲).

«او گردش شبانه‌اش را بدون لات‌بازی کامل نمیدانست. اما بیچاره به خانه که میرسید، از بیحالی مثل خر میخوابید تا صبح...» (همان: ص ۱۸).

راوی آرزویی بغیر از مردن پدرش ندارد. نویسنده هیچ دلیلی در رمان برای حس تنفر راوی به پدرش بیان نمیکند و همین پیرنگ حذفی، ذهن مخاطب را به لایه‌های پنهان رمان میکشاند. همچنین اصطلاح "مثل خر میخوابید تا صبح" هم بیانگر تیرگی رابطه و تنفر است. او از مرگ پدرش اصلاً ناراحت نمیشود و در کمال خونسردی در مراسم ختم شرکت میکند.

در نظریه «تمایلات ادیبی» به این نکته اشاره شد که کودک از احتمال برخوردهای خشن پدر و از میان برداشتن این رقیب ناتوان (پسر) هراسان و مضطرب است. «اضطراب یکی از واکنشهای نهاد آدمی (که در آدمی تابع اصل لذت شناخته میشود) است نسبت به آرزوهای سرکوب‌شده‌ای که درون فرد ریشه دوانده و عمیقاً در وی نفوذ کرده‌اند» (پنج گفتار از زیگموند فروید، فروید: ص ۷۶). اضطراب راوی در بعضی صفحات رمان بچشم میخورد. تقلا کردن برای بیدار شدن از خوابهای شبانه و ادامه ندادن به حالت‌های هراس و اضطراب میتواند دلیلی بر احساس‌های ادیبی راوی باشد. در قسمتی از رمان، راوی خواب قایقرانی با پدر و آقای گلچین را میبیند. آقای گلچین پارو میزند، راوی دچار ترس و وحشت میشود و از پدر درخواست بازگشت به ساحل را دارد: «گفتم بابا بیا برگردیم، گفت اینهمه پول داده‌ایم که ما را بیاره تا اینجا - حالا تو میگویی برگردیم؟ گفتم به جهنم که پول دادیم! آخه کجا داریم میریم؟ باتلاق که دیدن نداره. گفت چطور دیدن نداره پسرم؟ همه زندگی ما تو این باتلاقیه. هست و نیست ما. داروندار ما ریخته این تو... برگشتم نگاه کردم به گلچین. بی آنکه پلک بزند به من نگاه میکرد. از نگاهش خواندم که میگفت حالا وقتش رسیده، راست میگفت بهترین فرصت بود. پدرم به جلو نگاه میکرد. بیحرکت بود و درست روی لبه قایق نشسته بود. دودستی از پشت هلس دادم که بیفتد توی آب. اما تکان نخورد...» (همان: ص ۶۴).

قصه راوی برای پرت کردن پدر به درون آب می‌تواند حاکی از تمایلات ادیبی یا برداشتن رقیب جنسی خویش باشد. از آنجاکه راوی از مهر و محبت مادر نیز تقریباً بی‌نصیب بوده است، این احساس می‌تواند تشدید شود و خود را در نمودهای مختلف نشان دهد.

نتیجه‌گیری

در خوانش اسطوره‌شناسی رمان «گاوخونی» دو پیرنگ دیده می‌شود؛ پیرنگ اول که در روساخت رمان و خوانش اولیه برای هر فردی قابل درک است؛ شخصیت اول یا راوی که در عالم خواب و رؤیا و واقعیت شناور است. او از دوران کودکی خاطرات بسیاری دارد که در سن بیست و چهارسالگی آنها را بیاد می‌آورد، مادری بی‌حوصله و پدری که تنها لذت زندگی‌اش آبتنی در زاینده‌رود است. اما پیرنگ حذفی یا استعاری این رمان که در واقع هدف اصلی این مقاله است در هاله‌ای از مفاهیم و عناصر اسطوره‌ای به مخاطب عرضه می‌شود؛ راوی مسائل حل‌نشده‌ای را از دوران کودکی با خود حمل می‌کند. ارتباط ضعیف او با مادر و همچنین رابطه سرد و آشفته پدر و مادرش بر روان او تأثیر گذاشته است. نویسنده با ارائه مؤلفه‌های اسطوره‌ای و کهن‌الگویی مانند آب، رودخانه و عقده ادیب به کم و کیف این وضعیت بصورت غیرمستقیم اشاره می‌کند. از آنجاکه آب در فرهنگ اساطیری ایران، نماد و نشانه مادینگی، باروری، زیبایی و همچنین گذر از آن بمنزله رجعت به زهدان مادر مثالی و جاودانگی است. نویسنده با بهره‌گیری از این مفاهیم به ترسیم ویژگیهای روحی، روانی شخصیت‌هایش پرداخته است. عشق به آب و آبتنی در واقع یادآور عشق دوران جوانی پدر راوی است و نفرت مادر راوی از آب و رودخانه در واقع حسادت او را نسبت به رقیب اسطوره‌ای خویش که در حقیقت عنصر مادینگی است، نشان می‌دهد. ترس راوی از آب و نفرت بیش از پیش او از دیدن زاینده‌رود در قالب بیمهری به همسر و همچنین عدم رغبت به بچه‌دار شدن، خود را نشان می‌دهد. راوی با داشتن آرزوی مرگ پدر، به نفرت پنهان خود در چند جای داستان اشاره می‌کند. بهره‌گیری نویسنده از عقده ادیب یا عقده پدرکشی در القای این مفهوم بخوبی پیداست.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از پایان‌نامه دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران استخراج شده است. سرکار خانم آمنه ظاهری عبدوند راهنمایی این پایان‌نامه را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم زهرا تقوی به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر فرهاد طهماسبی نیز با کمک به تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی، نقش مشاور این پژوهش را ایفا کردند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران و هیئت داوران پایان‌نامه که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده می‌گیرند.

REFERENCES

- Amoozgar, Jaleh. (1995). *Mythical history of Iran*. Tehran: Samt, pp. 21-22.
- Bozorg Bigdeli, Saeed & et al. (2010). Analysis of the Reflection of Iranian Mythical Themes and Narrations in Persian Novels from August 19, 1932 to 2008. *Quarterly Persian Language and Literature Research*, No. 19, pp. 135-159.
- Dadgi, Farnabeh. (1990). *Bondaheshn*, Tehran: Toos, p.41.
- Eliadeh, Mircea. (2006). *Treatise on the History of Religions*. Translated by Jalal Sattari. Tehran: Soroush, p.189.
- Freud, Sigmund. (2004). *Five speeches by Sigmund Freud*. Translated by Hora Rahbari, Tehran: New Step, p.76.
- Green, Wilfred et al. (1997). *Fundamentals of Literary Criticism*. Translated by Farzaneh Taheri. Tehran: Niloufar, p. 162.
- Hall, Calvin S. (1969). *Fundamentals of Freud Psychology*. Translated by Iraj Nikayin. Tehran: Ghazali, p. 59.
- Jones, Ernst. (1971). *Principles of psychoanalysis*, translated by Hashem Razi. Tehran: Asia, p. 36.
- Jung, Carl Gustav. (2007). *Man and his symbols*. Translated by Mahmoud Soltanieh, Tehran: Jami, p.25.
- Modares Sadeghi, Jafar. (1991). *Bloody cow*: Tehran: markaz.
- Nuri, Ali & Sarlak, Amir Hossein. (2016). Archetypal analysis of the story (Al-Mulk and Brahma), *Literary textology*. No. 32. pp. 79-92.
- Payende, Hossein. (2018). *Theories and Literary Criticism*, Tehran: Samt, p. 300, 364
- Rosenberg, Donar. (2000). *Myths of the world*. Translated by Abdul Hussein Sharifian. Tehran: Asatir, pp.32-33.
- Sadeghi, Somayeh. (2011). *Reflection of myth in the short story of Shahriar Mandanipour and the novel of Abutorab Khosravi*. Master Thesis. Faculty of Literature and Humanities. Birjand University.
- Sattari, Reza & Haghghi, Marzieh. (2014). Archetypal Critique of the Roots of Mythical Dualism in Ferdowsi's Shahnameh. *Textbook of Persian Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan*. 6 (1), pp. 130-111.
- Seraji, Seyyed Hassan; Khosravi, Hossein. (2015). *Ancient virtual manifestations of*

- exemplary mother examples in Kerman legends based on Jung's views. *Journal of Women in Culture and Art*, 7 (3), pp. 313-326.
- Shamisa, Sirus. (1994). *Literary Criticism*. Tehran: Mitra, p.45.
- Sharia, Jean Paul. (1991). *Unconscious and psychoanalysis*. Translated by Seyed Ali Mohaddes. Tehran: Nokte, p.59.
- Strauss, Claude V. (1994). *Structural study of myth*. Translated by Bahar Mokhtarian and Fazlollah Pakzad. *Arqavan Quarterly*, 1 (4), pp. 135-159.
- Yahaghi, Mohammad Jafar. (2009). *Critique of myths and fiction*, second edition. Tehran: Contemporary culture, p.814.
- Yavari, Hoor. (2008). *Psychoanalysis of literature*. Tehran: Sokhan, p.162.

منابع

- اساطیر جهان، روزنبرگ، دونار. (۱۳۷۹). ترجمه عبدالحسین شریفیان. تهران: اساطیر.
- اصول روانکاوی، جونز، ارنست. (۱۳۵۰). ترجمه هاشم راضی. تهران: آسیا.
- انسان و سمبولهایش، یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۸۶). ترجمه محمود سلطانیه، تهران: جامی.
- بازتاب اسطوره در داستان کوتاه شهریار مندنی‌پور و رمان ابوتراب خسروی، صادقی، سمیه. (۱۳۹۰). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند.
- بررسی ساختاری اسطوره، استراوس، کلود وی. (۱۳۷۳). ترجمه بهار مختاریان و فضل‌الله پاکزاد. فصلنامه ارغوان، ۱(۴)، صص ۱۳۵-۱۵۹.
- بندهشن، دادگی، فرنیع. (۱۳۶۹). تهران: توس.
- پنج گفتار از زیگموند فروید، فروید، زیگموند. (۱۳۸۳). ترجمه هورا رهبری، تهران: گام نو.
- تاریخ اساطیری ایران، آموزگار، ژاله. (۱۳۷۴). تهران: سمت.
- تحلیل سیر بازتاب مضامین و روایتهای اسطوره‌ای ایرانی در رمانهای فارسی از ۲۸ مرداد ۳۲ تا ۱۳۸۷، بزرگ بیگدلی، سعید و همکاران. (۱۳۸۹). فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره نوزدهم، صص ۱۳۵-۱۵۹.
- تحلیل کهن‌الگویی حکایت (الملك و البراهمه) کلیه و دمنه، نوری، علی و سرلک، امیرحسین. (۱۳۹۵). متن‌شناسی ادبی. شماره ۳۲، صص ۷۹-۹۲.
- رساله در تاریخ ادیان، الیاده، میرچا. (۱۳۸۵). ترجمه جلال ستاری. تهران: سروش.
- روانکاوی ادبیات، یاور، حورا. (۱۳۸۷). تهران: سخن.
- گاوخونی، مدرس صادقی، جعفر. (۱۳۷۰). تهران: نشر مرکز.
- مبانی روان‌شناسی فروید، هال، کالوین اس. (۱۳۴۸). ترجمه ایرج نیک‌آیین. تهران: غزالی.
- مبانی نقد ادبی، گرین، ویلفرد و همکاران. (۱۳۷۶). ترجمه فرزانه طاهری. تهران: نیلوفر.
- مظاهر مجازی کهن‌نمونه‌های مادر مثالی در افسانه‌های کرمان با تکیه بر آرای یونگ، سراجی، سیدحسن و خسروی، حسین. (۱۳۹۴). زن در فرهنگ و هنر، ۷ (۳)، صص ۳۱۳-۳۲۶.
- ناخودآگاه و روان‌کاوی، شاریه، ژان پل. (۱۳۷۰). ترجمه سیدعلی محدث. تهران: نکته.
- نظریه‌ها و نقد ادبی، پاینده، حسین. (۱۳۹۷). تهران: سمت.

نقد ادبی، شمیسا، سیروس. (۱۳۷۳). تهران: میترا.
نقد اساطیر و داستان‌واره‌ها، یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۸۸). چاپ دوم. تهران: فرهنگ معاصر.
نقد کهن‌الگویی ریشه‌های دوگانه‌انگاری اسطوره‌ای در شاهنامه فردوسی، ستاری، رضا و حقیقی، مرضیه. (۱۳۹۳). متن‌شناسی ادب فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان. (۱) ۶، صص ۱۳۰-۱۱۱.

معرفی نویسندگان

زهرا تقوی: دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(Email: Zt_55@yahoo.com)
آمنه ظاهری عبدوند: استادیار گروه فرهنگ و زبانهای باستانی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(Email: a-zaheri@srbiau.ac.ir; نویسنده مسئول)
فرهاد طهماسبی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(Email: f-tahmasbi@iiu.ac.ir)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Zahra Taghavi: PhD student in Persian Language and Literature, Research Sciences Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
(Email: Zt_55@yahoo.com)
Ameneh Zaheri Abdvand: Assistant Professor, Department of Ancient Culture and Languages, Research Sciences Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
(Email: a-zaheri@srbiau.ac.ir; نویسنده مسئول)
Farhad Tahmasebi: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Islamshahr Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
(Email: f-tahmasbi@iiu.ac.ir)